روایات نقصان عقل و ایمان زنان در بوته اعتبارسنجی

محمد تقی دیاری بیدگلی [1]

اسمر جعفری [2]

چکیده

احادیث دال بر کاستی عقل و ایمان زنان در منابع دست اول شیعه و سنی نقل شده است؛ این روایات منسوب به پیامبر(ص) و امام علی(ع) است و بررسی اسناد این احادیث مرسل بودن آنها را نشان می‌دهد و افزون بر آن برخی از این احادیث بدون سند گزارش شده‌اند؛ لذا اطمینان لازم به صدور آنها از معصوم به‌دست نمی‌آید و همین امر عده‌ای را بر آن داشته که به جعلی بودن آنها حکم کنند و عده دیگر به لحاظ وجود روایات مذکور در کتب معتبری چون الکافی و نهج‌البلاغه دلیلی برای بررسی سندی آنها ندیده، صرفا به تحلیل محتوایی و متنی احادیث پرداخته‌اند و دیدگاه‌های مختلفی در این حوزه شکل گرفته است. در این نوشتار هر یک از این دیدگاه‌ها مورد نقد و بررسی قرار گرفته است؛ به نظر می‌رسد در صورت چشم‌پوشی از ضعف سندی احادیث و ناچاری از توجیه آنها بهترین راه‌حل آن است که بپذیریم به دلیل تقطیع سخنان پیامبر(ص) و امام علی(ع) از سوی گردآورندگان احادیث، بخش‌هایی از این روایات حذف شده‌اند که چه‌بسا نقش تعیین‌کننده‌ای در بیان مراد و مقصود اصلی معصوم داشته‌اند.

کلید واژه‌ها: نقصان عقل، نقصان ایمان، زنان، فقه الحدیث، نقد سندی، حدیث مرسل، نقد متن

[1]- استاد دانشگاه قم mt_diari@yahoo.com

[2]- دانشجوی دکتری دانشگاه قم و مدرس دانشگاه فرهنگیان اراک (نویسنده مسؤول) asmar.jafari@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۲/۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۵/۲۳

بیان مسأله

یکی از چالشهای جدی فراروی اندیشمندان مسلمان وجود نکوهش‌های تند و شدید در روایات اسلامی نسبت به زنان است که همواره در تاریخ اسلام خصوصاً دهه‌های اخیر و به دنبال گسترش معرفت دینی و حضور زنان در عرصه پژوهشهای اسلامی مورد پرسش و چرایی قرار گرفته است و هر یک از دین‌پژوهان مسلمان به نوعی سعی در پاسخگویی، توجیه و یا تأویل این دسته روایات داشته‌اند که عمدتاً این پاسخها تا به امروز نتوانسته آنچنان که باید مورد رضایت قرار بگیرد و وجود این ادبیات تند و چالشی و در بردارنده مذمت و تحقیر زن در این دسته روایات یکی از بسترهای اصلی شکل‌گیری بسیاری از شبهات نسبت به جایگاه زن در اسلام است و افزون بر این مع‌الأسف برخی از شارحان هم درصدد اثبات این کاستی‌ها برآمده‌اند و زن را در مقام عبودیت و عروج و تکامل و دریافت‌های عقلی از مردان ناتوانتر می‌دانند و ادبیاتی تندتر از آنچه در روایات آمده را برگزیده‌اند.

شاید بتوان گفت مشهورترین و معروفترین این روایات، خطبه ۸۰ نهج‌البلاغه است که در افواه عمومی به نواقص‌العقول شهرت دارد و همچنین روایات دیگری که لفظاً و یا مضموناً مؤید وجود نقص عقل و ایمان در زنان است. باور عمومی بر آن است که این روایت اولین بار توسط امام علی(ع) بیان گردیده و منبع اصلی آن نهج‌البلاغه است در حالی که این روایت و روایاتی با این مضمون در ابتدا منسوب به پیامبر اسلام(ص) است و در منابع کهن شیعه و سنی پیش از نهج‌البلاغه هم آمده است. باور به این نقص و کاستی از سویی مردان را بر باور تبعیت محض و بی‌چون و چرای زن از مرد ترغیب می‌کند و از دیگر سو عشق و تلاش و امید، تکامل را از جامعه زنان می‌گیرد و سبب بدبینی شدیدی نسبت به روایات معصومان(ع) می‌شود.

اولین پرسشی که برای هر مسلمان معتقدی به‌وجود می‌آید این است که تعارض باور به این کاستی‌ها با برخی آیات قرآن که خلقت واحده را برای زن و مرد قائل است و خلقت خداوند را احسن می‌داند چگونه قابل حل است؟

بارزترین شاخصه‌ی انسان که ارزش وجودی او محسوب می‌شود و مورد ستایش قرآن هم قرار گرفته است برخورداری از قدرت عقلانیت است و روایات ناظر به نقصان این عقلانیت در تعارض جدی با این ستایش‌هاست و نکته مهم‌تر آنکه پیامبر اسلام(ص) و امام علی(ع) عالیترین

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.15.32.1.3]

نمونه رفتاری نیکو با زنان را به نمایش گذاشته‌اند و هرگز با هیچ زنی چون یک ناقص‌العقل و الایمان برخورد نکرده‌اند حال چگونه ممکن است آن بزرگواران زنان را اینگونه توصیف کنند؟

آنچه در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود گزارشی است از تعداد روایت‌های مذکور در منابع کهن فریقین و سپس بررسی دقیق اسناد این روایات و همچنین نقد و تحلیل دیدگاه‌های موجود در تفسیر و تأویل آنها و در نهایت برگزیدن یک راه‌حل مناسب و میانه برای رفع چالشهای مطرح در این حوزه.

مصادر حدیثی اهل سنت و شیعه

احادیث دال بر نقصان عقل و ایمان زنان با بیانات گوناگون در منابع شیعه و سنی گزارش شده است و از آنجا که برخی از این منابع از جمله کتب کهن و دست اول فریقین است بسیاری را بر آن داشته که این احادیث قطعاً و جزماً صادره از معصوم است و از دیگر سو محتوای این دست روایات آنچنان با فرهنگ و تفکر پیشینیان در خصوص زنان سازگار بوده است که هیچ شارح و مفسری از گذشتگان در صحت تاریخی این احادیث تردید نکرده و لذا اکثر آنان در پی تحلیل محتوایی و مفهومی روایات مذکور برآمده‌اند.

منابع اهل سنت

این نوع احادیث در اکثر منابع معتبر اهل سنت به نقل از پیامبر اسلام با جملاتی شبیه هم ذکر شده است. (ابن‌حنبل،۱۴/ ۴۵۰؛ بخاری،۱/ ۶۸؛ ابن ماجه،۲/ ۱۳۲۶؛ ترمذی،۲/ ۱۲۲) و از آنجا که این روایات در صحیحین هم نقل شده است از نظر اهل سنت جزء احادیث معتبر محسوب می‌شود و در صحت تاریخی آنها شکی نیست به عنوان نمونه حدیث ذیل که بخاری در صحیح خود آورده است که: عن ابی سعید الخدری قال خرج رسول الله (ص) فی اضحی او فطر الی المصلی فمر علی النساء فقال یا معشر النساء تصدقن فانی اریتکن اکثر اهل النار فقلن لم یا رسول الله قال تکثرن اللعن و تکفرن الشعیر مارایت من ناقصات عقل ودین اذهب للب الرجل الحازم من احداکن قلن وما نقصان دیننا و عقلنا یا رسول الله ؟قال الیس شهاده المراه مثل نصف الشهاده الرجل ؟قلن بلی قال فذلک من نقصان عقلها ،الیس حاضت لم تصل ولم تصم قلن بلی فذلک من نقصان دینها «رسول خدا (ص) در روز عید قربان یا فطر به طرف مصلی می‌رفت که به جماعتی از زنان رسید و فرمود: ای جماعت زنان صدقه بدهید چرا که به من نشان داده شده است

که شما اکثریت اهل آتش را تشکیل می‌دهید، زنان پرسیدند چرا؟ حضرت فرمود: زیرا بسیار لعنت و دشنام و کلمات زشت به کار می‌برید و نیز حق همسر خود را به جا نمی‌آورید و کفران نعمت می‌کنید و من ندیدم ناقص‌هایی از عقل و دین که از بین برنده عقل مرد محتاط باشد به اندازه‌ای که شما از بین می‌برید، زنان پرسیدند: نقصان عقل و دین ما به چیست؟ حضرت فرمود: آیا مگر شهادت زن برابر با نصف شهادت مرد نیست؟ گفتند چرا؟ حضرت فرمود: پس این دلالت بر نقصان عقل زنان می‌کند و آیا مگر دچار عادت ماهانه نمی‌شوند و از نماز و روزه باز نمی‌مانند؟ گفتند چرا، حضرت فرمود: این دلالت بر نقصان دینشان می‌کند. (بخاری،۱/ ۷۸)

منابع شیعی

روایات مورد بحث در منابع شیعه هم گزارش شده است که در برخی موارد به لحاظ متن با آنچه در کتب اهل‌سنت آمده یکسان است. روایات شیعی در این حوزه یا منقول از پیامبر(ص) است و یا امام علی(ع) و از سایر معصومین روایاتی با این محتوا وارد نشده است! در ابتدای امر به نظر می‌رسد که منابع معتبر و مختلفی این نوع روایات را آورده‌اند و این اعتبار و تعدد منابع یک اطمینان اولیه به صحت اسانید آنها را بوجود می‌آورد اما لازم است در یک نگاه محققانه و به دور از تعصب و خارج از هر گونه پیشداوری سند این دسته احادیث مورد بررسی دقیق قرار بگیرد چرا که عموم شارحان و دین‌پژوهان به لحاظ وجود روایات مذکور در کتب کهن و معتبر از بررسی سندی آنها چشم‌پوشی کرده‌اند و عمدتاً به نقد درونی و محتوایی آنها پرداخته‌اند.

نقد و بررسی سندی روایات

الف) روایات منقول از پیامبر اسلام(ص)

آنچه با این مضمون از پیامبر اسلام وارد شده است در مجموع از پنج منبع حدیثی است که به ترتیب قدمت عبارتند از: تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع)، الکافی، مَن لایحضره الفقیه، تهذیب و مکارم اخلاق.

۱- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع): این روایت ماجرای زنی است که به نمایندگی از سایر زنان از پیامبر دلیل برابری شهادت دو زن با یک مرد و نیز سهم کمتر ارث زن را می‌پرسد و پیامبر اسلام در ضمن پاسخ می‌فرمایند: «لِأَنَّکُنَّ ناقصاتُ الدین و العقل»

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.15.32.1.3]

إِذْ جَاءَتِ امْرَأَةٌ، فَوَقَفَتْ قُبَالَةَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قَالَتْ: بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَا وَافِدَةُ النِّسَاءِ إِلَيْكَ، مَا مِنِ امْرَأَةٍ يَبْلُغُهَا مَسِيرِي هَذَا إِلَيْكَ إِلَّا سَرَّهَا ذَلِكَ، يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَبُّ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ، وَ خَالِقُ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ، وَ رَازِقُ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ، وَ إِنَّ آدَمَ أَبُو الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ، وَ إِنَّ حَوَّاءَ أُمُّ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ، وَ إِنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ فَمَا بَالُ امْرَأَتَيْنِ بِرَجُلٍ فِي الشَّهَادَةِ وَ الْمِيرَاثِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: [يَا] أَيَّتُهَا الْمَرْأَةُ- إِنَّ ذَلِكَ قَضَاءٌ مِنْ مَلِكٍ [عَدْلٍ، حَكِيمٍ] لَا يَجُورُ، وَ لَا يَحِيفُ، وَ لَا يَتَحَامَلُ، لَا يَنْفَعُهُ مَا مَنَعَكُنَّ، وَ لَا يَنْقُصُهُ مَا بَذَلَ لَكُنَّ، يُدَبِّرُ الْأَمْرَ بِعِلْمِهِ، يَا أَيَّتُهَا الْمَرْأَةُ لِأَنَّكُنَّ نَاقِصَاتُ الدِّينِ وَ الْعَقْلِ.

قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا نُقْصَانُ دِينِنَا قَالَ: إِنَّ إِحْدَاكُنَّ تَقْعُدُ نِصْفَ دَهْرِهَا- لَا تُصَلِّي بِحَيْضَةٍ، وَ إِنَّكُنَّ تُكْثِرْنَ اللَّعْنَ، وَ تَكْفُرْنَ النِّعْمَةَ تَمْكُثُ إِحْدَاكُنَّ عِنْدَ الرَّجُلِ عَشْرَ سِنِينَ- فَصَاعِداً يُحْسِنُ إِلَيْهَا، وَ يُنْعِمُ عَلَيْهَا، فَإِذَا ضَاقَتْ يَدُهُ يَوْماً، أَوْ خَاصَمَهَا- قَالَتْ لَهُ: مَا رَأَيْتُ مِنْكَ خَيْراً قَطُّ فَمَنْ لَمْ يَكُنْ مِنَ النِّسَاءِ هَذَا خُلُقُهَا- فَالَّذِي يُصِيبُهَا مِنْ هَذَا النُّقْصَانِ مِحْنَةٌ عَلَيْهَا- لِتَصْبِرَ فَيُعْظِمَ اللَّهُ ثَوَابَهَا، فَأَبْشِرِي(همانجا،۶۵۷)

نقد و بررسی این روایت

با وجود قدمت این تفسیر، از دیرباز در میان علمای امامیه درباره وثاقت آن بحث‌های فراوانی بوده است و در اصل وجود کتاب و انتساب آن به امام تردید جدی وجود دارد. نخستین منتقد وثاقت آن إبن غضائری است که تفسیر از نظر او موضوع است و علاوه بر این تردید، محمدبن قاسم استرآبادی را فردی ضعیف و کذاب می‌داند و علی‌بن محمد بن سیار و یوسف بن زیاد (راویان این کتاب تفسیری) را مجهول معرفی کرده است و برخی علمای معاصر مثل شیخ جواد بلاغی، آیت الله خویی، شیخ محمد تستری و علامه شعرانی انتساب این تفسیر به امام(ع)را قبول ندارند.(هاشمی،۱۵۳)

۲- الکافی

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْجَعْفَرِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا رَأَيْتُ مِنْ ضَعِيفَاتِ الدِّينِ وَ نَاقِصَاتِ الْعُقُولِ أَسْلَبَ لِذِي لُبٍّ مِنْكُنَّ.(کلینی،۵/ ۳۲۲)

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: ندیدم سست عقیده تر و کم‌عقل‌تر از شما زنان که در ربودن عقل صاحبان خرد از شما تیز پنجه‌تر و تردست‌تر باشد

نقد سندی :۱- روایت، مرسله است؛ زیرا ناقل از امام معصوم نامشخص است. (عَمَّن ذَکَرُه)۲- مراد از(عن‌ابیه) محمد بن خالد البرقی است که نجاشی اورا ضعیف فی الحدیث می داند(۳۳۵) و ابن غضائری اینگونه او را توصیف می کند :یروی عن‌الضعفا کثیرا ویعتمد المراسیل(۹۳) علامه مجلسی هم در شرح کافی این حدیث را مرسل معرفی می‌کند.(۲/ ۷)

در تهذیب الاحکام هم روایت الکافی با همان سند کلینی آمده است (طوسی،۷/ ۴۰۴)

۳- من لایحضره الفقیه

دو روایت در من لایحضر الفقیه آمده است که اولی دقیقا همان متن الکافی است ولی بدون سند و دومی ماجرای پرسش زنان از پیامبر(ص)است که تقریبا شبیه روایت موجود در تفسیر منسوب به امام حسن عسگری(ع) است با اندکی اضافات که این روایت هم بدون سند آمده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَا رَأَيْتُ ضَعِيفَاتِ الدِّينِ نَاقِصَاتِ الْعُقُولِ أَسْلَبَ لِذِي لُبٍّ مِنْكُنَّ.(صدوق،۳/ ۳۹۰)

وَ مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى نِسْوَةٍ فَوَقَفَ عَلَيْهِنَّ ثُمَّ قَالَ يَا مَعَاشِرَ النِّسَاءِ مَا رَأَيْتُ نَوَاقِصَ عُقُولٍ وَ دِينٍ أَذْهَبَ بِعُقُولِ ذَوِي الْأَلْبَابِ مِنْكُنَّ إِنِّي قَدْ رَأَيْتُ أَنَّكُنَّ أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ- يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَتَقَرَّبْنَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا اسْتَطَعْتُنَّ فَقَالَتِ امْرَأَةٌ مِنْهُنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا نُقْصَانُ دِينِنَا وَ عُقُولِنَا فَقَالَ أَمَّا نُقْصَانُ دِينِكُنَّ فَالْحَيْضُ الَّذِي يُصِيبُكُنَّ فَتَمْكُثُ إِحْدَاكُنَّ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا تُصَلِّي وَ لَا تَصُومُ وَ أَمَّا نُقْصَانُ عُقُولِكُنَّ فَشَهَادَتُكُنَّ إِنَّمَا شَهَادَةُ الْمَرْأَةِ نِصْفُ شَهَادَةِ الرَّجُلِ.(همانجا،۳۹۱) یعنی: و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله را گذر بر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.15.32.1.3]

زنانی افتاد و در کنار آنان توقفی فرمود و بعد خطاب به آنان فرمود: ای گروه زنان من ندیدم کم‌خردان و سست‌دینانی تیزتر از شما به ربودن عقل خردمندان، و این چنین می‌اندیشم که در روز رستاخیز بیشتر اهل دوزخ شما باشید، پس از شما میخواهم که بخداوند عزّ و جلّ خود را نزدیك کنید و به او تقرب جوئید هر قدر که در توان دارید، پس زنی پرسید یا رسول اللّه از کجا دین و عقل ما ناقص است؟ حضرت فرمود: أمّا کسری دینتان همین خونی است که در هر ماه شما را از نماز و گاهی از روزه باز میدارد، و أمّا کسر عقلتان از شهادتتان که هر دو تن از شما برابر با یك مرد است.

در کتاب مکارم الاخلاق هم دقیقاً دو روایت من لایحضره الفقیه بدون سند آمده است.(۲۰۳)

در مجموع می‌توان روایات پیامبر(ص) را فقط ۲ روایت دانست که یکی در تفسیر منسوب به امام‌حسن‌عسکری(ع) آمده است و دیگری در الکافی و روایات موجود در سایر منابع به نوعی تکرار اینهاست و این روایات معدود وارده از پیامبر(ص) هم یا محذوف السند است و یا مرسل و به لحاظ متن هم تفاوتهایی با هم دارند از جمله در الکافی دلیل نقصان عقل و دین ذکر نشده است و در تفسیر منسوب به امام حسن(ع) فقط دلیل نقصان دین آمده است و در مَن لایحضره الفقیه دلیل هر دو ذکر شده است.

ب) روایات منقول از امام علی(ع)

روایات وارده از امام علی(ع) در خصوص نقصان عقل و دین زنان در میان اکثریت مردم شهرت بیشتری دارد و معروف‌ترین این روایات مضمون خطبه ۸۰ نهج‌البلاغه است و می‌توان در مجموع این دسته روایات منقول از امام علی(ع) را در ۳ بخش معرفی نمود:

۱- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع): در این تفسیر در ذیل آیه دین در بیان علت برابری شهادت دو زن با یک مرد از قول امام علی(ع) آمده است که «..... **عَدَلَ اللّه شهادَه امرأتین بشهاده رجل، لنقصان عقولهِنَّ**» (۶۷۵)

در ذیل روایات منقول از پیامبر اکرم(ص) اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسگری(ع) مورد نقد بررسی قرار گرفت، لذا این روایت هم چندان مورد اطمینان نخواهد بود.

۲- مضمون خطبه۸۰ نهج‌البلاغه: از آنجا که مضمون این خطبه نسبت به سایر روایات، شهرت بیشتری دارد و همواره در محافل علمی و غیر علمی مورد چالش قرار گرفته است، سند این خطبه را در این مجال با دقت بیشتری بررسی خواهیم کرد.

آنچه به صورت یک متن کوتاه به نام خطبه ۸۰ در نهج‌البلاغه آمده است در کتب پیش از سید رضی هم ذکر شده و جالب آن است که این خطبه بخشی از یک نامه طولانی و مفصل امام است که سید رضی آن را قطعه‌قطعه کرده و در قالب چندین خطبه و نامه دیگر آورده است و صرفنظر از اینکه این تقطیع چقدر می‌تواند فهم نامه را با مشکل مواجه کند- که در جای خود به آن پرداخته خواهد شد- به لحاظ سند و اختلاف تعابیر متن نامه در منابع پیش از نهج‌البلاغه تأمل برانگیز است.

این خطبه جزئی از نامه‌ای است که امام پس از دریافت خبر شهادت محمدبن ابی بکر آن را نگاشتند و ماجرا از این قرار است که بعد از کشته شدن محمدبن ابی بکر امام دچار اندوه بسیار زیادی می‌شوند و در همین وضعیت برخی از یاران ایشان می‌خواهند نظر آن حضرت را در مورد ابوبکر و عمر و جریانهای پس از رحلت پیامبر(ص) بدانند امام هم پاسخ آنها را در نامه‌ای مفصل می‌نویسند و به هنگام نوشتن نامه ده نفر از یاران مورد اطمینان خویش را بر آن گواه گرفتند محتوای این نامه‌ی مفصل به نوعی بیان یک دوره تاریخ سیاسی پس از رحلت پیامبر اسلام تا سالهای آخر عمر مبارک امام (ع) است و ظاهراً امام در هنگام شرح حوادث جنگ جمل و بیان نقش عایشه در آن در قالب یک نتیجه از حضور عایشه در این جنگ می‌فرمایند:

....وَ النِّسَاءُ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ، نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ، نَوَاقِصُ الْحُظُوظِ، فَأَمَّا نُقْصَانُ إِيمَانِهِنَّ فَقُعُودُهُنَّ عَنِ الصَّلَاةِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهِنَّ، وَ أَمَّا نُقْصَانُ عُقُولِهِنَّ فَلَا شَهَادَةَ لَهُنَّ إِلَّا فِي الدَّيْنِ وَ شَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ بِرَجُلٍ، وَ أَمَّا نُقْصَانُ حُظُوظِهِنَّ فَمَوَارِيثُهُنَّ عَلَى الْأَنْصَافِ مِنْ مَوَارِيثِ الرِّجَالِ. یعنی: ای مردم، زنان از نظر ایمان و از جهت ارث و در مرحله عقل کم بهره و ناقصند. اما نقصان ایمانشان به اعتبار معاف بودن از نماز و روزه در ایّام قاعدگی است اما نقصان عقلشان، به اعتبار اینکه شهادت دو زن برابر شهادت با یك مرد است. اما نقصان ارثشان به اعتبار اینکه سهم ارث آنان نصف سهم ارث مردان است.

نکته مهم آنکه قدیمی‌ترین منبع این نامه پیش از سید رضی کتابهای الامامة و السیاسه از ابن قتیبه (متوفی ۲۷۶) و الغارات ثقفی (م۲۸۳ق) است. در این دو کتاب متن این نامه مفصل آمده است و جالب آنکه در قسمت مباحث مربوط به جنگ جمل قسمت مذکور (خطبه ۸۰) اصلاً نیامده است!! (نک: ابن قتیبه،۱/ ۱۳۳- ۱۳۷ و ثقفی،۱/ ۱۹۹- ۲۱۳) اما در منابع بعد از این دو کتاب، این بخش به محتوای نامه اضافه شده است که قدیمی‌ترین آنها المسترشد طبری آملی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.15.32.1.3]

(م۳۲۶ق) است که دقیقاً این بخش را برای اولین بار در ضمن نامه اضافه کرده است و پرسش مهم آن است که چگونه در منابع حدود ۵۰- ۶۰ سال پیش از طبری این بخش موجود نیست؛ اما به یکباره در کتاب طبری آملی این بخش اضافه می‌شود و افزون بر این نکته، نامه با این سند در المسترشد آورده می‌شود: «روی الشعبی عن شریح بن هانی ... در مورد شعبی که همان عامر بن شرحبیل است، در کتب رجالی توثیق یا مدحی دیده نمی‌شود؛ گرچه در معجم‌الرجال به نقل از سید تغریشی آمده است که «**هو مذموم عندنا و هو الخبیث الفاجر الکذاب...**» (خوئی،۹/ ۱۹۳) و شریح بن هانی هم مجهول است.

و پس از این کتاب بنا به گزارش «مصادر نهج‌البلاغه و اسانیده» این بخش توسط ابوطالب مکی(م۳۸۲ق) در قوت القلوب ج۱، ص۲۸۲ آورده شده (عبدالزهرا حسینی،۲/ ۸۳) وشیخ کلینی در آخر جزء ۵ الکافی با سند خود از ابی عبدالله از امام علی(ع) فقط دو خط آخر آن را ذکر نموده که می‌فرماید: «**اتقوا شرار النساء و کونوا علی خیارهن علی حذر**» (کلینی،۵/ ۵۱۶) و علامه مجلسی در شرح خود بر الکافی آن را مرسل می‌داند (۲۰/ ۳۳۵) و سید بن طاووس هم به نقل از رسائل از طریق کلینی این بخش را ذکر کرده است.(ابن طاووس،۲۵۲)

و در نهایت سید رضی در کتاب‌های خصائص‌الائمه (ص۱۰۰) و نهج‌البلاغه (خطبه۸۰) این بخش را بدون سند می‌آورد و سایر بخشهای نامه مفصل امام را به هفت خطبه و نامه دیگر منتقل می‌کند.

دقت در اسناد این روایات نشان می‌دهد که هیچ‌یک از این احادیث سند متصلی ندارند و سید رضی هم در هر دو منبع خود آن را بدون سند می‌آورد؛ لذا این احادیث مرسل‌اند.

سایر منابع پس از سید رضی هم این احادیث را از نهج‌البلاغه نقل کرده‌اند که به طور طبیعی فاقد سند هستند.

۳- سفارش امام به لشکریان قبل از جنگ صفین: امام در ضمن سفارش خود از لشکریان خود می‌خواهد به زنان کاری نداشته باشند و یکی از دلایل خود را نقصان عقل آنان می‌داند؛ این روایت در دو منبع آمده است که به‌ترتیبِ قدمت عبارتند از:

الف- وقعهٔ صفین

نَصْرٌ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ وَ حَدَّثَنِي رَجُلٌ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ عَلِيّاً ع كَانَ يَأْمُرُنَا فِي كُلِّ مَوْطِنٍ لَقِينَا مَعَهُ عَدُوَّهُ يَقُولُ: «لَا تُقَاتِلُوا الْقَوْمَ حَتَّى يَبْدَءُوكُمْ فَإِنَّكُمْ بِحَمْدِ اللَّهِ عَلَى حُجَّةٍ وَ تَرْكُكُمْ إِيَّاهُمْ حَتَّى يَبْدَءُوكُمْ حُجَّةٌ أُخْرَى لَكُمْ عَلَيْهِمْ فَإِذَا قَاتَلْتُمُوهُمْ فَهَزَمْتُمُوهُمْ فَلَا تَقْتُلُوا مُدْبِراً وَ لَا تُجْهِزُوا عَلَى جَرِيحٍ وَ لَا تَكْشِفُوا عَوْرَةً وَ لَا تُمَثِّلُوا بِقَتِيلٍ فَإِذَا وَصَلْتُمْ إِلَى رِحَالِ الْقَوْمِ فَلَا تَهْتِكُوا سِتْراً وَ لَا تَدْخُلُوا دَاراً إِلَّا بِإِذْنِي وَ لَا تَأْخُذُوا شَيْئاً مِنْ أَمْوَالِهِمْ إِلَّا مَا وَجَدْتُمْ فِي عَسْكَرِهِمْ وَ لَا تُهَيِّجُوا امْرَأَةً بِأَذًى وَ إِنْ شَتَمْنَ أَعْرَاضَكُمْ وَ تَنَاوَلْنَ أُمَرَاءَكُمْ وَ صُلَحَاءَكُمْ فَإِنَّهُنَّ ضِعَافُ الْقُوَى وَ الْأَنْفُسِ وَ الْعُقُولِ (نصربن مزاحم، ۲۰۳)

نصر: از عمر بن سعد، و نیز از مردی، از عبد اللّه بن جندب، از پدرش که به من گفت: علی علیه السلام به ما می‌فرمود که هر جا در رکاب او با دشمن برخورد کنیم، دستور چنین است: تا آنان آغاز به جنگ نکرده‌اند شما به جنگ با ایشان نپردازید، چه شما به حمد خدا خود حجّتی تمام دارید و واگذاری شما تا آغاز به جنگ کنند این (خویشتن داری) حجّتی دیگر به سود شما و بر ضد آنان است، و اگر جنگیدید و دشمن را شکست دادید، گریزنده‌ای را نکشید و مجروحی را تمام‌کش نکنید و عورتی را برهنه نسازید و کشته‌ای را مثله نکنید. و اگر به قرارگاه قوم دشمن در آمدید، پرده‌ای را مدرید و جز به فرمان من به خانه‌ای وارد نشوید و چیزی از اموال ایشان را جز آنچه در لشکرگاه باشد برنگیرید و به هیچ زنی آزار و گزندی نرسانید گرچه به ناموس شما دشنام دهند و فرماندهان و نیکان شما را نیز مشمول دشنام خود سازند، زیرا آن زنان از نظر نفسانیّات و خرد ضعیف و ناتوانند.

تاریخ‌دانان درباره وثاقت نصر بن مزاحم اختلاف نظر دارند که ظاهرا دلیل این اختلاف، شیعه بودن اوست؛ ابن حبّان وی را جزء شخصیت‌های ثقه و مورد اطمینان ذکر کرده. ابن ابی الحدید درباره ایشان گفته است: «نصر بن مزاحم شخصیتی ثقه و مورد اطمینان و استوار و گفته‌ها و نقل‌هایش صحیح است. وی از روی هوا و هوس و دروغ چیزی نگفته است. او از مردان راوی حدیث به شمار می‌آید.» اما عقیلی درباره او می‌گوید: «نصر بن مزاحم شیعه است و در حدیث و سخنان او اضطراب به چشم می‌خورد، زیرا سخنانش با هم ناسازگار می‌نماید.» ابو حاتم درباره او می‌گوید:« احادیث نصر بن مزاحم انحراف دارد و به احادیث وی عمل نمی‌شود.» (به نقل از نرم

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.15.32.1.3]

افزار جامع الاحادیث) علاوه بر اختلافی که در مورد او هست در سند روایت هم اولاً (حدثنی رجل) وجود دارد و ثانیاً جندب هم مجهول است؛ لذا روایت از نظر سندی منقطع است.

ب- الکافی

فی حدیث مالک بن اعین: لَا تُهَيِّجُوا امْرَأَةً بِأَذًى وَ إِنْ شَتَمْنَ أَعْرَاضَكُمْ وَ سَبَبْنَ أُمَرَاءَكُمْ وَ صُلَحَاءَكُمْ فَإِنَّهُنَّ ضِعَافُ الْقُوَى وَ الْأَنْفُسِ وَ الْعُقُول.(کلینی،۲/ ۳۹)

این روایت فقط یک راوی دارد؛ لذا مرسل است و بنا به نظر طوسی و کشی مالک‌بن‌اعین از اصحاب امام جعفر صادق(ع) است و معقول نیست که از امام علی (ع) بدون واسطه نقل کند.(طوسی،الرجل، باب‌المیم، ش۱۱۵۸؛ کشی،۱/ ۲۱۶)

نتیجه نقد و بررسی اسناد احادیث

گرچه روایات یادشده در کتب معتبری آورده شده است، ولی اکثر این کتابها روایات را بدون سند ذکر کرده‌اند و اسناد محدودی هم که در برخی منابع آمده است یا ضعیف است و یا مرسل. لذا می‌توان گفت وضعیت سندها به گونه‌ای نیست که اطمینان‌آور باشد و بتوان با قاطعیت آنها را به معصوم(ع) نسبت داد.

برخی هم برآنند که سندهای احادیث نقصان عقل زنان به گونه‌ای است که هیچ نوع خبر مستفیضی حتی معنوی هم شکل نمی‌گیرد و به عنوان خبر واحد هم شرایط لازم برای حجیت را دارا نیستند؛ اما نه از این باب که در امور اعتقادی یا تکوینی است؛ بلکه به دلیلِ نبود خبر ثقه و یا وثوق به مضمون روایات. (کریمیان،۶۲/ ٤)

بررسی دیدگاه‌های چهارگانه در خصوص ارزش روایات

دیدگاه اول: رد روایات و جعلی دانستن آنها

در برخورد با این دسته روایات عده‌ای بر این باورند که این‌گونه احادیث جعلی است و نباید آنها را به معصومان(ع) نسبت داد؛ از آن جمله برخی گفته‌اند: «منشأ مسأله نقص زن، از فقه اهل سنّت است و ریشه اش هم مظلومیّت حضرت زهرا(س) است. آنها قدرت و حکومت داشتند و این مسائل را وارد روایات کردند و متأسّفانه بعضی از جاها هم برخی از شیعیان، از روی ناآگاهی، از آنها تأثیر گرفته اند. به هرحال زنها چوب مظلومیّت حضرت زهرا(س) را می خورند و باید

افتخارکنند. شبیه این مسأله را امام راحل می فرمود. ایشان می فرمودند که شما بعد از من خیلی باید چوب بخورید. به هرحال، هر حرکتی احتیاج به سرمایه گذاری و مقاومت دارد. آنها می خواستند حضرت زهرا(س) را بکوبند؛ چون حضرت زهرا(س) یک تهدید جدّی برای حکومت آنها بود. آنها در این مورد، با یک مشکل اساسی و پیچیده روبه رو بودند. چون حقّ به جانب حضرت زهرا(س) بود و در عمل، هیچ بهانه ای بر علیه آن حضرت نداشتند. لذا سعی کردند که شخصیّت حضرت زهرا(س) را در طول تاریخ، له کنند. مثلا قضاوت که می گویند برای زنها نیست، چیزی است که علمای سنّی به آن معتقدند؛ درحالی که از نظر فقه شیعه، چنین اجماعی در کار نیست. (صانعی، پیام زن، ش۵۱، ص۱۲)

برخی محققان نیز معتقدند که برای این احادیث سندی متصل وجود ندارد و منبع قابل استنادی ندارد. (مهریزی، ٤٤)

عده‌ای هم تصریح نموده‌اند که حدیث نهج‌البلاغه درباره نقص عقل و ایمان زنان، با تعلیل‌های آن سازگار نیست و از این رو، باید علم آن را به اهلش واگذار کرد.(علامه فضل‌الله،٦٦)

در خصوص دیدگاه آیت الله صانعی باید گفت اینکه این روایات برای مقابله با حضرت زهرا (س) است، چندان قابل دفاع نیست؛ زیرا، آن بخش از روایاتی که در ضمن شرح ماجرای جمل آمده در ابتدای امر بر مذمت عایشه دلالت دارد؛ اما اینکه معتقدند این احادیث از فقه اهل سنت ریشه گرفته است، چندان بعید نمی‌نماید؛ زیرا بررسی اسناد این دسته روایات در منابع شیعه نشان می‌دهد که قدیمی‌ترین منبعی که این نوع احادیث را آورده است، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) و پس از آن المسترشد طبری متوفی ۳۲٦ است و اگر انتساب تفسیر را به امام حسن عسکری(ع) را نپذیریم، پس اولین بار این دسته روایات در اوایل قرن چهارم در منابع شیعه نقل شده است در حالی که در منابع اهل سنت اولین بار احمد بن حنبل (م۲٤۱) و بخاری (م ۲۵٦) روایات پیامبر(ص) را با این مضمون آورده‌اند و از دیگر سو، پذیرش نقص عقل و ایمان زنان با تفکر خلیفه دوم هم بسیار سازگار است؛ چنانکه تاریخ از نوع برخوردهای تحقیرآمیز او با زنان گزارش‌های شگفتی دارد و حتی در زمان حیات رسول‌خدا(ص) هم گاهی متعرض همسران پیامبر(ص) می‌شود و به سببِ بیرون آمدن از منزل آنها را سرزنش می‌کند. (ن.ک: زمخشری، الکشاف ذیل آیه ۵۳ احزاب) بنابراین، می‌توان به عنوان یک احتمال، منتقله بودن این دسته روایات را در نظر گرفت.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.15.32.1.3]

دیدگاه دوم: پذیرش مطلق روایات

عده‌ای از شارحان و مفسران این‌گونه احادیث بدون توجه به وضعیت اسناد این احادیث و نیز بدون هیچگونه تأویل و تفسیری این روایات را با همان معنای ظاهری پذیرفته‌اند و درصدد اثبات این کاستی برای جامعه زنان می‌باشند و مع‌الأسف با ادبیاتی شدیدتر و تندتر از ظاهر احادیث زنان را مورد شماتت قرار می‌دهند از آن جمله اظهارات ابن میثم بحرانی در شرح خطبه ۸۰ است که مایه شگفتی است: « دلیل کمبود عقل زنان دو چیز است: درونی و داخلی که آن کمبود استعداد به لحاظ سرشت و خلقتی است که زنها بر آن آفریده شده‌اند و این کم‌استعدادی موجب می‌شود نقصان عقل داشته باشند و دلیل بیرونی به دلیل معاشرت کم آنها با اندیشمندان و عقلاست و آنها با ریاضت قوای حیوانی خود را تضعیف نمی‌کنند تا قوانین عقل را در تنظیم کار و معاش و معاد به همراه داشته باشند، به همین جهت است که قوای حیوانی در آنها بر قوای عقلانی غلبه دارد و زنها رقیق‌القلب، حسود، لجوج، گریان، گناهکار، وقیح و ... !!! هستند و بیش‌تر فریب می‌خورند ...

در زن خیر نفسی و مطلق وجود ندارد و در مقایسه زنان با یکدیگر آن کس که شرش کمتر است خوب و خیر شناخته می‌شود هر چند که ذاتاً و بدون مقایسه خوب نباشد ... و نقص ایمان دارند چون در آن زمان حالت پلیدی دارند و اهلیت حضور در پیشگاه خداوند را ندارند!! » (ابن میثم،۱/ ٤٨٣)

شیخ محمد عبده هم در توضیحات کوتاهی در شرح خطبه ۸۰ می‌نویسد: «خداوند زنان را آفرید و مسؤولیت بارداری فرزند و سپس تربیت اولاد را تا سن معینی بر دوش آنان نهاد و هرگاه فرزند یک مقدار بزرگ می‌شود دوباره زن آمادگی بارداری پیدا می‌کند و این کار همواره ادامه دارد، گویی خداوند او را به تدبیر منزل و آنچه را که ملازم با آن می‌باشد اختصاص داده است و از آنجا که امور منزل امور محدودی است در نتیجه عقلی را هم که یک زن لازم داشته قهراً عقل محدودی بوده و خداوند به همان اندازه نیاز به وی عقل داده است. (همو،۱/ ۱۲۵)

شارح دیگری در ذیل خطبه ۸۰ می‌نویسد: «برخی اهل عرفان گفته‌اند ما از زنان بیشتر حذر می‌کنیم تا شیطان. (هاشمی خویی،۵/ ۳۰۲)

برخی از مفسران هم در تفسیر آیه ۵ نساء معتقدند که زنان از مصادیق سفیه هستند. (ابن کثیر،۲/ ۱۸۷؛ طبرسی،۳/ ۱۳) ظاهراً برخی آیات قران هم با این برداشتها همسوست؛ نظیر: آیات «**الرِّجالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ وَ بِما أَنْفَقُوا مِنْ**

أَمْوالِهِم»(النساء، ٣٤) «**وَ لا تُؤْتُوا السُّفَهاءَ أَمْوالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِياماً وَ ارْزُقُوهُمْ فِيها وَ اكْسُوهُمْ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلاً مَعْرُوفاً**»(النساء،٥) «**...وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَداءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْداهُما فَتُذَكِّرَ إِحْداهُمَا الْأُخْرى و...**»(البقره،۲۸۲) «**أَو من يُنَشَّؤُا فِي الْحِلْيَةِ وَ هُوَ فِي الْخِصامِ غَيْرُ مُبِينٍ**» (الزخرف،۱۸) در حالی که هر یک از این آیات تفسیر خاص خود را دارد و هرگز مؤید کاستی عقل زنان نیست و مراجعه به تفسیر آیات مذکور بیان کننده ضعف این برداشت ظاهری از آیات است.

نقد و بررسی این دیدگاه

قرآن قطعی ترین نص و محکم ترین سند مکتوب مسلمانان است و از نظر ما ملاک هر امری است و به تعبیر خود قرآن باطل در آن راه ندارد ،از این روی سخنی که مخالفد قرآم باشد هیچگونه حجیتی ندارد و پیامبر و امامان معصوم هم پیروان خویش را به مخالفت هر سخن مخاف قرآن رهنمود داده اند ولو اینکه این سخن منسوب به خود آن بزرگواران باشد و روایات عرضه برقران در همین راستا است . لذا در این بخش از نوشتار محتوای احادیث مذکور را به قرآن عرضه می کنیم تا میزان همخوانی و همسویی این محتوا با کلام خداوند آشکار شود .

الف) عرضه روایات به قرآن

آیات متعددی از قرآن بر یکسانی موقعیت زن و مرد دلالت دارد از جمله:

۱- خلقت واحد زن و مرد (النساء،۱)

۲- پذیرش ایمان و عمل از زن و مرد(آل عمران، ۱۹۵ و النحل،۹۷ والمومن،٤٠)

۳- برتری در صفات عالی انسانی(الاحزاب،۳۵)

٤- تقوا ملاک برتری (الحجرات،۱۳)

۵- یکسانی نقش زن و مرد در فریب از شیطان (البقره،۳٦)

٦- زنان الگو در قرآن

قرآن از زنانی یاد می‌کند که حتی می‌توانند برای مردان الگو باشند حال چگونه نقص عقل و ایمان زنان با وجود این الگوهای قرآنی قابل پذیرش خواهد بود؟ مثلاً آیاتی که در بیان هوشمندی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.15.32.1.3]

دختر شعیب، الهام به مادر موسی(ع)، ج) تجلیل از مریم(س)، اندیشمندی بلقیس، تمجید از آسیه، هم صحبتی فرشتگان با ساره و آیاتی که در شأن حضرت فاطمه(س) آمده است.(نک: سوره های قصص، تحریم، نمل، ذلریات، احزاب)

ب) مغایرت با روایات ستایشگر زنان

ازجمله تکریم وبزرگداشت زن در مقام همسری وتوصیه به مهربانی با زنان (نک: وسائل الشیعه،ج۲۰ کتاب النکاح و رساله حقوق امام سجاد (ع))

وتکریم زن در مقام مادری (همانجا، ۲۰/ ۳۹٦) ونیز تکریم زن در جایگاه فرزندی (همانجا،۲۱/ تتمه کتاب النکاح ابواب احکام الاولاد)

ج) سیره عملی پیشوایان دینی با زنان

تاریخ هرگز از برخورد توهین‌آمیز پیامبر(ص) و امام علی(ع) با زنان شاهدی ندارد بلکه بر عکس همواره برخوردهای آن بزرگواران حتی با زنانی که دچار رفتارهای غیر اخلاقی بوده‌اند در نهایت کرامت و بزرگواری بوده است و با هیچ زنی همانند موجودی ناقص‌العقل رفتار نکرده‌اند بلکه حضور اجتماعی زنان حتی در جنگها و بیعت پیامبر با آنان گویای پذیرش عقلانیت زنان از سوی ایشان است.(نک: المغازی واقدی،۱/ ۲۵۰ و اعلام النساء،۲/ ۲٦۳)

د) مصادیق بیرونی در صدر اسلام

با توجه به برداشت ظاهری برخی شارحان از عمومیت الفاظ روایات، آیا زنانی چون فاطمه(س) و مریم(س) العیاذ بالله در این دایره قرار می‌گیرند؟ و آیا می‌توان به زنانی چون خدیجه (س)، آسیه (س)، زینب(س)، امسلمه، فضه و مادران و همسران شهدای کربلا و ... چنین نسبت‌هایی را داد؟ و همچنین وجودزنان موثر در اسلام آوردن مردان، زنان شکنجه شده در راه اسلام و زنان شاعر در زمان پیامبر (ص) (نک: مجله ی شمیم یاس، آبان ۱۳۸۵/ شماره ٤٤)

و) حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی

در فرهنگهای پیشین پذیرش این تفکر حتی برای خود زنان هم چندان مشکل نبوده زیرا آنها به دلیل اندیشه رایج در آن زمان در خصوص زنان محکوم به خانه‌نشینی بودند و هرگز تجربه امور

اجتماعی بزرگ را نداشتند و از سوی مردان هم مجالی برای آنها فراهم نمی‌شد و این خود به خود باور به نقصان را دامن می‌زد اما در دنیای امروز که زنان در عرصه‌های اجتماعی حضور پررنگی دارند و در برخی موارد توانسته‌اند حتی در مقایسه با مردان مدیریت، خلاقیت و تعقل بیشتری از خود نشان دهند چگونه می‌توان نیمی از پیکره اجتماع بشری را متهم به نقصی نمود که قابل اثبات نیست؟ شاید بتوان گفت زنان در گذشته به دلیل عدم حضور در صحنه‌های اجتماعی در مسیر کسب آگاهی‌های بیشتری نبودند اما از آن سو نمی‌توان انکار کرد که در همان دوره حاکمیت عقل مردانه، چه جنایاتها و قتل عامها و فجایع تلخی توسط مردانی صورت گرفته و می‌گیرد که مطابق دیدگاه این گروه برتری عقلی نسبت به زنان دارند!!

ه) برابری زن و مرد در اصل وجود تکالیف شرعی

اگر نقص عقل و ایمان زن را بپذیریم، لازم می‌آید از باب «**لایکلف الله نفساً إلّا وسعها...** »(البقره،۲۸٦) تکلیف شرعی کمتری در مقایسه با مردان داشته باشند؛ در حالی که تمام تکالیف و احکام شرعی زنان و مردان جز در موارد جزئی و نادر برابر است و هیچ تخفیفی متوجه زنان صورت نگرفته است با توجه به اینکه برخورداری از خرد و اندیشه شرط اولیه تکلیف است.

دیدگاه سوم: خاص بودن روایات

عده‌ای معتقدند که روایات امام علی(ع) با توجه به شرایط اجتماعی آن زمان و غائله جنگ جمل و نیز وجود این روایت در ضمن شرح حوادث آن جنگ اشاره به کلیه زنان ندارد؛ بلکه مراد برپا کننده جنگ جمل یعنی عایشه است. (إبن ابی‌الحدید،٦/ ۲۱٤ ؛ هاشمی خویی،۵/ ۳۰۲ ؛ مکارم شیرازی،۳/ ۲۸۵؛ جوادی آملی،۳۳۱)

نقد و بررسی این دیدگاه

الف) اولین و مهم‌ترین اشکال این نظریه آن است که احادیث مذکور منحصر به امام علی(ع) نیست و روایات نقصان عقل و دین از قول پیامبر اسلام(ص) هم آمده است.

ب) روایت همه ضمایر را جمع آورده است و این با مصداق بودن یک زن سازگاری ندارد.

ج) علت‌های ذکر شده برای کاستی عقل و ایمان زنان، شامل همه زنان است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.15.32.1.3]

د) از مقام شامخ و آسمانی امام علی(ع) به دور است که اقدام یک زن را بـه نیمـی از جامعـه بشری تعمیم دهد و همه آنها را متهم به نقصی کند که فرضاً در یک نفر وجود داشته است.

و) این نامه بعد از پیروزی امام و آشکار شدن حوادث جمل نوشته شده اسـت و دلیلـی نـدارد که امام علی(ع) از ذکر نام عایشه خودداری کند.

ه) شارح دیگری هم می‌نویسد: « کاری که عایشه با امام کرد بزرگتـر از آنچـه طلحـه و زبیـر کردند نبود، زیرا آنها بیعت خود را با امام شکستند و عایشه را به جنگ با علی(ع) ترغیـب کردنـد و همچنین رفتار عایشه بدتر از رفتار معاویه و عمروعاص و خـوارج نبـود پـس می‌بایسـت حضـرت چنین الفاظ تندی را هم درباره مردان به کار ببرد. (مغنیه،۱/ ۳۷۳)

دیدگاه چهارم: تأویل و تفسیر روایات

بسیاری از اندیشمندان و شارحان خصوصاً در عصر حاضر ضمن پذیرش صدور این روایـات از معصوم سعی کرده‌اند با تأویل‌ها و تفاسیری که از واژه‌های موجود در احادیث ارائـه می‌کننـد، راه میانه‌ای را برگزینند که معنای واقعی کاستی را ندهد و سرزنشی نسبت به زنان نباشـد و بـا بیانـات و توجیهات گـاه فلسـفی خـود و یـا روان‌شناسـانه و یـا تـاریخی مـراد حضـرت را روشـن کننـد و از چالش‌های به‌وجود آمده در معنای این روایات بکاهند که عمده‌ترین آنها از ایـن قبیل‌انـد: ۱- مـراد عقل نظری است. (علامه جعفری، ۱۰/ ۲۹۸) ۲- مراد عقل ابـزاری اسـت. (جـوادی آملـی،۳۳۳) ۳- مراد عقل عملی است. (لبیب بیضون،۴۲) ٤- مراد قوه تعقل است نه خود عقل. (محقق داماد، پیام زن، شماره ۱۱٤۳) ٥- مراد غلبه احساس در زنان است. (مصـطفوی، پیـام‌زن، شـماره ۱۱۳۳؛ طباطبائی، ٤/ ۲۷؛ مطهری،۲۱۳) ٦- مراد عقل اجتماعی است. (امامی‌کاشـانی، پیـام زن: شـماره ۱۱٥۱) ۷- مراد از نقص ضعف است و مراد از ایمان آرامش. (طباطبائی امین،٥۲)

نقد و بررسی این دیدگاه

در این نوشتار بنا نداریم که یکایک این تأویل‌ها و تفسیرها را مورد بررسی علمی قـرار دهـیم؛ زیرا بنا به دلایلی که خواهد آمد، این دست نظریات قابل پذیرش نیستند؛ لذا در یک نقد کلی بایـد گفت مخاطبان پیامبر و امام در این روایات عموم مردم هستند؛ مردمی که بـه لحـاظ سـطح فکـر و درک در یک حد کاملاً طبیعی بودند و مخاطبان پیامبر اسلام(ص) و امام علی(ع) فلاسفه و عالمان نبوده‌اند؛ زیرا برای فهم هر یک از نظریات مذکور لازم است مخاطب یا عالم و فیلسوف باشـد و یـا

به اهل آنها مراجعه کند. تقسیمات عقل و مراد از هر کدام از این تقسیمات روشن شود؟ حال آنکـه معصوم در این احادیث نیمی از جامعه انسانی را با الفاظی معرفی می‌کند که برای هر قوم و قبیله‌ای در هر جغرافیا و تاریخی یک مفهوم ساده و روشن دارد و آن کاستی قوه تفکر و کاستی ایمان اسـت. آنچه شارحان آورده‌اند، اولاً دیدگاه خودشان است نه منظـور و مـراد پیـامبر و امـام و ثانیـاً بـه نظـر می‌رسد بیشتر بازی با الفاظی است که درک مفهوم روایات را دشوارتر می‌کند.

و از دیگر سو، حتی با پذیرش این تأویل‌ها مهم‌ترین اشکال در خصوص ایـن احادیـث عـدم سازگاری تعلیل‌های روایات با مدعاست؛ چگونه تعلیل نقصـان ایمـان زن، قـرار گـرفتن او در ایـام خاص زنانه و محروم شدن از نماز و روزه است حال آنکه عدم انجام تکالیف در این ایام بـه دسـتور خود شارع است و یا تعلیل نقصان عقل، برابری شهادت دو زن با یک مرد است در حالی کـه قـرآن علت شهادت دو زن را جهت یادآوری، تشریع کرده است و از دیگر سو، مگر شهادت دادن در یـک نزاع و قضیه حقوقی چه فضیلتی است که عدم آن دلیلی بر نقصان عقـل باشـد و یـا هـر انسـانی در طول عمر خود چند بار در شرایط شهادت دادن قرار می‌گیرد؟ به هر حال نمی‌توان با چنین تأویل‌ها و تفسیرهایی به چالش‌های پیش‌آمده در خصوص این روایات پاسخ داد؛ گرچه، جدای از نقد کلی که بر این اظهارات وارد شد هر کدام از این تأویل‌ها قابل نقد جدی است که پرداختن به آنها خـارج از حوصله این نوشتار است.

نتیجه و راه‌حل نهایی

باید اعتراف کرد که اظهارنظر قطعی در مورد سند این احادیث و حتی مفهوم و محتـوای آنهـا قدری مشکل است و اگر چه نمی‌توان به‌سادگی صدور این روایات از معصومان(ع) را تأییـد کـرد و از این جهت هم اطمینان‌آور نیست زیرا همانگونه که گذشت خطبه ۸۰-که درواقع بخشی از نامه مفصل امام پس از شهادت محمد بن ابی بکر است - در قدیمی ترین منبع این نامه (پیش از سـید رضی) که متن کامل نامه امام را آورده است ، موجود نیسـت و بـه یـک بـاره در منـابع پنجـاه سـال بعد،این قسمت به نامه افزوده شده و در منابع آورده می شود و سید رضی هم از همین منابع متاخر استفاده کرده است .لذا در صورتی که بخواهیم مرسل بودن و ضعف اسناد احادیث مطـرح در ایـن حوزه را ندیده بگیریم و نظر قطعی در خصوص صدور یا عدم صدور این روایـات نداشـته باشـیم و همچنین از احتمال منتقله بودن احادیث هم صرف‌نظر کنیم- که می تواند احتمال قابل توجهی هم باشد- خصوصا با عنایت به اینکه در بیانات سایر معصومان پس از امام علی(ع) چنـین سـخنانی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.15.32.1.3]

بندرت از سوی برخی از امامان آمده است و ناچار به توجیه یا تفسیر روایات باشیم، دو راه‌حل به نظر قابل قبول‌تر و میانه‌تر به‌نظر می‌رسد.

۱- دقت در محتوای روایات پیامبر(ص) و خصوصاً امام علی(ع) نشان می‌دهد که گردآورندگان این احادیث از جمله سید رضی در ثبت و جمع این نوع سخنان گزینشی عمل کرده‌اند و به تقطیع این احادیث پرداخته‌اند؛ تفاوت محتوای احادیث پیامبر در تفسیر منسوب به امام عسکری(ع) و الکافی و من لایحضره الفقیه به‌روشنی گواه این تقطیع است و در خصوص فرمایش امام علی(ع) هم که این اتفاق قطعی و یقینی است، چه‌بسا کلمات و جملاتی در این میان حذف شده باشد که بیان کننده مفهوم و مراد واقعی معصوم است و در صورت عدم تقطیع، کلام امام وضوح روشن‌تری داشت و این آسیبی است که در هر سخنی که تقطیع شود، خود بخود به‌وجود می‌آید و در کلام معصومی که اکنون حاضر نیست تا از سخنان خویش دفاع کند بیش‌تر نمایان خواهد شد.زیرا همانگونه که در متن این نوشتا رآمده بود این خطبه جزیی از نامه مفصل امام به تعدادی از یاران خود پس از شهادت محمد بن ابی بکر است و سید رضی آن را به هفت بخش تقطیع کرده و به نامه ها و خطبه های دیگر منتقل کرده است .

۲- نقص را در اینجا به معنای تفاوت بدانیم و بپذیریم که مراد پیامبر(ص) و امام علی(ع) بیان تفاوت‌های طبیعی و تکوینی مرد و زن است که این تفاوت‌ها دلیلی بر برتری یکی بر دیگری نیست و شاید بتوان گفت سه جمله توضیحی امام که در ادامه خطبه آمده و علل این حکم را بیان می کند با این معنا (تفاوت) همسویی بیشتری داشته باشد ؛ گرچه این تفسیر نمی‌تواند دلیل لحن سرزنش‌آمیز روایات را پاسخ گویدمگر آنکه بگوییم امام درصدد نکوهش مطلق زنان نیستند بلکه مراد ایشان نکوهش هر زن و مردی است که این تفاوتها را درک نمی کنند و از جنس زن انتظاری فوق آنچه خلقت بر عهده او گذاشته است دارند.

کتابشناسی

۱- قرآن کریم

۲- ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد، ۱۳۷۵، شرح نهج‌البلاغه، تهران، نشر نی، ۱۳۷۵ش.

۳- ابن بابویه، محمدبن‌علی، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات،۱۴۱۳ق.

۴- ابن حنبل، احمد، المسند، بیروت، دارالصادر، ۱۴۲۰ق.

۵- ابن طاووس، علی‌بن محمد، کشف‌المهجه لثمرة المهجه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۵ش.

۶- ابن غضائری، احمدبن حسین، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش.

۷- ابن کثیر،اسماعیل‌بن‌عمر، تفسیرالقرآن‌العظیم،بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.

۸- ابن ماجه قزوینی، محمدبن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۹- ابن میثم، کمال الدین، شرح نهج‌البلاغه، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس، ۱۳۷۵ش.

۱۰- بخاری، محمدبن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.

۱۱- بیضون، لبیب، زن در اسلام، فصلنامه پژوهشی و اطلاع رسانی نهج‌البلاغه، ش۹و۱۰، ۱۳۸۳ش.

۱۲- ترمذی، عیسی‌بن سوره، سنن‌الترمذی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.

۱۳- التفسیر المنسوب إلی‌الامام الحسن العسکری، قم، بی‌نا، ۱۴۰۹ق.

۱۴- ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات،قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.

۱۵- جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ، ۱۳۶۶ش.

۱۶- جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۴ش.

۱۷- حسینی، عبدالزهرا، مصادر النهج‌البلاغه و اسانیده، بیروت، دار الزهرا، ۱۳۶۷ش.

۱۸- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بی‌نا، ۱۴۱۳ق.

۱۹- دشتی، محمد، روشهای تحقیق در اسناد و مدارک نهج‌البلاغه، قم، نشر امام علی(ع)، ۱۳۶۸ش.

۲۰- سائلی، علی، زن در نگاه امام علی(ع)، مشهد، انتشارات امام محمد باقر(ع)، ۱۳۷۹ش.

۲۱- شریف رضی، محمدبن حسین، خصائص‌الائمه، مشهد، آستان قدس، ۱۴۰۶ق.

۲۲- طباطبایی امین، طاهره، معناشناسی ایمان در احادیث «إنّ‌النساء نواقص الایمان» فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، شماره ۴، صص ۶۸- ۵۲، ۱۳۹۲ش.

۲۳- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش.

۲۴- طبرسی، حسن‌بن فضل، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو،۱۳۷۲ش.

۲۵- همو، مکارم الاخلاق، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق.

۲۶- طبری آملی، محمدبن جریر بن رستم، المسترشد فی امامه علی‌بن‌ابیطالب، قم، کوشانپور، ۱۴۱۵ق.

۲۷- طوسی، محمدبن‌الحسن، رجال الطوسی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۳ش.

۲۸- همو،تهذیب‌الاحکام، تهران، بی‌نا، ۱۴۰۷ق.

۲۹- عبده، محمد، شرح نهج‌البلاغه، بی‌نا، بی تا.

۳۰- عرشی، امتیاز علی‌خان، استناد نهج‌البلاغه، تهران، انتشارات عطاردی، ۱۳۵۱ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.15.32.1.3]

۳۱- علایی رحمانی، فاطمه، زن در نهج‌البلاغه، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۳۲- فضل‌الله، سید محمدحسین، وضع‌المرأه الحقوقی بین الثابت و المتغییر، بیروت، دارالثقلین، ۱۴۱۸ق.
۳۳- کریمیان، محمد، اعتبار و مفهوم‌سنجی روایات کاستی عقل زنان، نشریه علوم حدیث، ش ۴، صص ۱۱۸-۱۳۹۰، ۹۰ش.
۳۴- کشی، محمدبن عمر، اختیار معرفه الرجال، قم، مؤسسه آل‌البیت، بی تا.
۳۵- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، بی‌نا، ۱۴۰۷ق.
۳۶- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۷- همو، مرآة العقول فی شرح اخبار آل‌الرسول، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۳۸- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲ش.
۳۹- مغنیه، محمدجواد، فی‌ظلال نهج‌البلاغه، بیروت، دارالعلم، ۱۳۵۸ش.
۴۰- مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
۴۱- مهریزی، مهدی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ش.
۴۲- نصربن مزاحم، وقعه‌الصفین، مصحح هارون عبدالسلام، قم، مکتبه آیتا... المرعشی‌النجفی، ۱۴۰۴ق.
۴۳- هاشمی خویی، میرزا حبیبا...، منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه، تهران، مکتبه‌الاسلامیه، ۱۳۵۸ش.
۴۴- هاشمی، فاطمه، بررسی صحت و اعتبار روایات منسوب به امام حسن‌عسگری(ع)، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۷ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.15.32.1.3]